

## درخواست‌های یک بازیگر از تهیه‌کننده چقدر انجام می‌شود و چقدر به رسمیت شناخته می‌شود؟

من به عنوان یک بازیگر فکر می‌کنم که این تعامل کمتر صورت می‌گیرد. ما در سینمای ایران تهیه‌کننده‌های حرفه‌ای کم نداریم؛ تهیه‌کنندگانی که سهمی در اعتلای فرهنگ، سهمی در تولید آثار خوب و مفید برای جامعه داشته‌اند و با همکارانشان از بازیگر گرفته تا هر کدام از عوامل در تعامل بوده‌اند و همواره هر کسی که با آن‌ها همکاری داشته رضایتمندی لازم را داشته‌است. یکی از توقعاتی که به عنوان بازیگر می‌شود داشت این است که حداقل سعی کنند کمی با مسائل روحی و عاطفی بازیگرها آشنا شوند.

بازیگر شاید توقع دارد که این درک از جانب تهیه‌کننده صورت بگیرد که ممکن است یک بازیگر برای بازی در یک نقش چه سختی‌هایی را متحمل شود. از طرف دیگر خوب است بازیگر هم سعی کند تا آگاهی‌اش را نسبت به شرایطی که یک تهیه‌کننده در مدیوم‌های مختلف با آن دست و پنجه نرم می‌کند افزایش دهد. به هر حال همه داریم در یک عرصه کار می‌کنیم و این تعامل‌ها و شناخت‌ها قطعاً باعث تولید آثار بهتر می‌شود اما خیلی وقت‌ها که ممکن است یک تهیه‌کننده زبان مشترکی با بازیگرش پیدا نکند و یا بازیگر زبان مشترکی با تهیه‌کننده‌اش پیدا نکند به جای زیر میز زدن و تخریب می‌شود از افرادی که اصطلاحاً تحت عنوان مدیر برنامه فعال هستند کمک گرفت و این مساله عملاً می‌تواند باعث نزدیک شدن جهان‌های گوناگون یک تهیه‌کننده و بازیگر و یا یک تهیه‌کننده با هر شخصی و در هر صنف دیگری شود.

به نظر من کاش یک سیاست و مدیریتی اتفاق بیفتد که اساساً میل به تربیت agent به معنای واقعی کلمه اتفاق بیفتد. در سینمای دنیا خیلی از کارهایی که من به عنوان بازیگر می‌کنم، اصلاً بر عهده‌ی من نیست و خیلی از کارهایی که تهیه‌کننده می‌کند بر عهده‌ی او نیست. یعنی در حقیقت یک سری کارها و وظایفی بر گرده‌ی افراد گذاشته می‌شود که اصلاً حوزه‌شان نیست. درواقع خیلی از مسئولیت‌ها و خیلی از فشارهایی که تهیه‌کننده‌ها متحمل می‌شوند در حوزه‌ی وظایف تهیه‌کننده نیست و از آن طرف هم خیلی از وظایف بر عهده‌ی بازیگر نیست. بهتر است که تقسیم وظایف به درستی اتفاق بیفتد، یعنی تهیه‌کننده کارهای حوزه‌هایی که به او مربوط است را انجام دهد و بازیگر هم حوزه‌هایی که به او مربوط است را انجام دهد. نهادینه شدن این نگاه حرفه‌ای شاید یک مقدار زمان ببرد. هستند افرادی که این نگاه حرفه‌ای را در سینما و تلویزیون ایران دارند اما کاش به بقیه هم یاد بدهند. کاش یک مقدار برای بقیه هم انرژی بگذارند که همه نگاه حرفه‌ای را داشته باشند. ولی به طور کلی همانطور که گفتیم خیلی از

افرادی که در این حوزه فعال هستند در حوزه‌ی حقوقی به آگاهی لازم نرسیده‌اند. به همین خاطر هم به نوعی با شرح وظایفشان خیلی آشنا نیستند و هم با مطالباتی که می‌توانند داشته باشند آشنا نیستند.

حالا که گذشته، بگویند چه شد که پروژه‌ی «پچه مهندس» برای شما تمام شد و نخوابید ادامه‌ی همکاری بدهید؟ آیا آنطور که سعید سعیدی تعریف کرد درست است؟ روایت شما چیست؟ خداوند ناظر است.

مرام و مسلک کدام بازیگر در رده‌ی سنی خودتان را چه در فضای مجازی و چه در فضای کاری می‌پسندید؟

واقعیت این است که من مرام و مسلک مولا علی (ع) را می‌پسندم و به مرام و مسلک همکارانم کاری ندارم. من جزو علاقمندان شهاب حسینی و بابک حمیدیان هستم که البته برای نسل قبل از من هستند. از بازیگران هم نسل خودم بازی نوید محمدزاده، هوتن شکیبا و بهرام افشاری را دوست دارم. بالاخره ما با هم دوست و به نوعی هم‌دوره هستیم. بچه‌ها یک مقدار از من با تجربه‌تر هستند ولی من فقط می‌توانم نظر شخصی‌ام را در مورد کیفیت بازی آن‌ها بگویم و مرام و مسلک یک مساله‌ی کاملاً فردی است.

اساساً فکر می‌کنم که بازیگر از نظر فنی و حرفه‌ای باید مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد، نه اعتقادات شخصی چرا که اعتقادات شخصی برای خودش است و کم باید به این سمت برویم. برای مثال ممکن است که من به مطب پزشکی مراجعه کنم که حتی شاید آدم تندخویی باشم - نه اینکه رذیلتی داشته باشد اما خلق و خوی او خیلی مورد پسند من نباشد - من مخاطب علم و توانمندی طبابت او هستم. ولی بالاخره مردم از بازیگرها یک سری توقعاتی را دارند و اگر بخواهم از زاویه‌ی دید خودم نگاه کنم، من از کف جامعه وارد شده‌ام. درواقع من از یک خانواده‌ی فرهنگی آمده‌ام و جامعه، مسائل و مشکلات آن همیشه برای من مساله بوده‌است.

اینکه چقدر شهروند خوبی هستیم را نمی‌دانم اما یقین دارم که همیشه سعی‌ام بر این بوده که شهروند خوبی باشم. یعنی برای مثال چراغ قرمز را رد نکنم، اگر قرار است مالیات بدهم آن را پرداخت کنم، اشغال میوه را بیرون نیندازم، ساعت دوازده شب به بعد در محل مسکونی‌ام سر و صدا نکنم، اگر کرونا و اپیدمی است سعی کنم تا قوانین شهری را رعایت کنم؛ درواقع سعی کرده‌ام تا یک شهروند منطقی باشم و هنجار شکنی نکنم. یعنی آرام باشم و شهروند خوبی برای همشهری‌ها و مملکت باشم. به همین خاطر حرف زدن در مورد مرام و مسلک خیلی سواد

